



بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم - 19 دی/ 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز! در این روز سرد و برفی و از راه دور، روز تاریخی نوزدهم دیماه را با این اقدام خودتان و حضور خودتان، بار دیگر تجلیل و تعظیم کردید. شایسته هم، همین است.

این لحظه های حوادث بزرگ تاریخی، در واقع عوامل پیشرفت تاریخ ملتها هستند. عاشورا يك نیمه روز بیشتر نبود؛ تاریخ را تکان داد و متحول کرد. يك حادثه، گاهی به قدری عمیق و حکیمانه و بجا در طول زندگی يك ملت اتفاق می افتد که تأثیرات آن برای سالهای متمادی، گاهی برای قرنهای متوالی باقی میماند. یقیناً روز نوزدهم دی برای ملت ایران از جمله ی این حوادث بود. ظرفیت حضور مردم و خشم مقدس و انقلابی مردم در طول سالهای متمادی با ظلم دستگاه طاغوت و اعمال نفوذ بیگانگان لبالب شده بود؛ يك حرکت هوشمندانه و بجا لازم بود. يك حرکت هوشمندانه و بجا لازم بود. این حرکت را شما مردم قم در روز نوزدهم دیماه انجام دادید و این گردونه به حرکت درآمد. آنچه که نظام طاغوت بر سر این کشور و این ملت آورد، در طول سالهای متمادی حاکمیت سیاه و ننگین خود، حقیقتاً یکی از فصول تلخ تاریخ ماست.

یکی از همین فعالیتهای فاجعه آمیز، قضایای هفدهم دی بود که در زمان رضاشاه اتفاق افتاد. طبق نقشه ی دشمنان اسلام و ایران، به کمک روشنفکران آن روز متصل به دربار پهلوی، تصمیم گرفتند که زن ایرانی را از دائره ی عفاف و حجاب خود بیرون کنند و این نیروی عظیم ایمانی را که به برکت عفاف، زن همواره در جوامع مسلمان وجود داشته است، نابود کنند و بر باد بدهند.

یکی از جنایات بزرگ رژیم طاغوت، همین مسئله ی هفده دی هست. کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله ای که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است - که این برای سلامت زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است - تا همان بلائی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند. این اقدام را با چماق، رضاخان در داخل کشور انجام داد.



زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردش نابودی خانواده بود. اینجور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیتهای اجتماعی پیشرفت کند؛ همه ی اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه ای برای برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا در جامعه ی اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود؛ برای اینکه از همه ی کارهای دیگر بمانند؛ و یک مدتی هم موفق شدند، اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت. زنهای مسلمان ما با وجود سختگیریها در طول زمان، در مقابل این فشار سرکوبگر مقاومت کردند؛ بعد از رفتن رضاخان به نحوی، در زمان خود او به نحوی، در طول دوران بقیه ی طاغوت هم به نحوی. لذا در همان دیماه 1356، روز هفدهم دیماه در مشهد، یک اجتماع عظیمی، تظاهراتی از زنان مسلمان با شعار «حفظ حجاب» راه افتاد. ما آنوقت در تبعید بودیم؛ خبر آن را شنیدیم که زنان مؤمن و مسلمان و شجاع یک چنین حرکتی را به راه انداختند. این، گوشه ای از فجایع رژیم طاغوت بود؛ نابود کردن آرمانهای دینی، ارزشهای اخلاقی، پیشرفتهای اقتصادی، عزت بین المللی و خلاصه بر باد دادن سرمایه های یک ملت جزو کارهایی بود که آن رژیم طاغوت و سياهکار انجام داد.

ملت ایران بموقع بیدار شدند و پاسخ گفتند به ندای رهبر عظیم الشان خودشان و وارد میدان شدند. نوزده دی یک چنین مقطع تاریخی حساسی است؛ اینها را باید زنده نگه داشت. تلاش شده است و میشود برای اینکه احساسات مردم و این مقاطع حساس از یادها برود.

مردم قم نشان دادند که وفادارند و پایبندند. در طول این زمانها، کسانی هم پیدا شدند که به تعبیر قرآن، «فمن نکث فإِتما ینکث علی نفسه»؛ این بیعت را با انقلاب و با اسلام و با امام شکستند، اما این شکستن بیعت به زیان خودشان بود: «نکث علی نفسه». بعضیها وفاداری نشان دادند؛ «و من أوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجراً عظیماً»؛ پایبندی نشان دادند؛ وفاداری نشان دادند، که این اکثریت عظیم ملت ما بودند؛ ایستادند پای حرفشان و خدای متعال اجر عظیم را به آنها داد؛ پیروزی در جنگ را داد؛ پیروزی در همه ی میدانها در مقابل ابرقدرتها را داد؛ رشد ملی و پیشرفت گوناگون در عرصه های مختلف را به این ملت داد.

ملت ایران به سمت آرمانهای خود حرکت کرد، گامهای بلندی هم برداشت. امروز هم حرکت میکنند، امروز هم گامهای بلندی دارد. این یک مطلب راجع به مسائل نوزده دی.



يك جمله راجع به محرّم و عاشورا عرض كنيم. محرّم، يكي از همين مقاطع تاريخي است. عاشورا را شيعه، با همه ي وجود نگه داشتند. شما ببينيد در طول سالهاي متمادي، قرنهاي متمادي، ياد امام حسين، نام امام حسين، تربت امام حسين، عزاي امام حسين هرگز از بين مردم پيرو اهل بيت و مؤمن به اهل بيت خارج نشد؛ اين را رها نكردند؛ هرچند خيلي تلاش شد. حالا شما قضيه ي متوكل و بستن راه را شنيده ايد. اينها آن كارهاي چارواداري، مخالفتهاي چارواداري بوده است. مخالفتهاي بسيار زيادي در طول زمان به شكلهاي ظاهراً علمي، به شكل احساساتي، به شكل تجربه اي انجام دادند، ولي شيعه نگه داشته است و بايد نگه دارد.

ميگويند چرا ماتم و گريه و اشك را در بين مردم رواج ميدهيد؟ اين ماتم و اشك براي ماتم و اشك نيست، براي ارزشهاست. آنچه پشت سر اين عزاداريها، بر سر و سينه زدن، اشك ريختن وجود دارد، عزيزترين چيزهائي است كه در گنجينه ي بشريت ممكن است وجود داشته باشد؛ او همان ارزشهاي معنوي الهي است. اينها را ميخواهند نگه دارند كه حسين بن علي مظهر اين ارزشها بود. ياد آنهاست؛ زنده نگه داشتن آنهاست.

و ملت اسلام اگر نام حسين را و ياد حسين را زنده نگه بدارد و آن را الگو قرار بدهد براي خود، از همه ي موانع و مشكلات عبور خواهد كرد. لذاست كه ما در انقلاب اسلامي، در نظام جمهوري اسلامي از صدر تا ذيل، همه - مردم، مسئولين، بزرگان، شخص امام بزرگوار ما - بر روي مسئله ي امام حسين و مسئله ي عاشورا و همين عزاداريهاي مردمی، تكيه كردند و جا دارد. اين عزاداريها جنبه ي نمادين دارد، جنبه ي حقيقي هم دارد؛ دلها را نزديك ميكند، معارف را روشن ميكند.

البته گويندگان، وعاظ، مداحان، سرايندگان، همه بايد توجه داشته باشند كه اين يك حقيقت عزيز است؛ با آن نبايست بازی كرد؛ حقايق ماجراي عاشورا را بازيچه نبايد قرار داد. هر كسي يك چيزي به آن اضافه بكد، خرافه اي را به آن وصل بكد، كارهاي غير معقول را به نام عزاداري انجام بدهد، اينها نبايد باشد؛ اينها طرفداري از امام حسين نيست. يك وقتی ما راجع به مسئله ي تظاهرات قمه، مطلبي را گفتيم، يك عده اي گوشه كنار صداشان بلند شد كه آقا! اين عزاداري امام حسين است؛ مخالفت نشود با عزاداري امام حسين! اين، مخالفت با عزاداري نيست؛ مخالفت با ضايع كردن عزاداري است. عزاداري امام حسين را نبايد ضايع كرد. منبر حسيني، مجلس حسيني، محل بيان حقايق ديني، يعني حقايق حسيني است. شعر در اين جهت، حركت در اين جهت، نوحه و مدیحه در اين جهت بايد باشد. شماديد در آن محرّم سال 57، دستجات سينه زني ما در بعضي از شهرستانها مثل يزد و شيراز و جاهاي ديگر شروع شد و بعد هم گسترش پيدا كرد به همه ي کشور؛ سينه ميزدند و حقايق روز را در نوحه هاي خودشان بيان ميكردند؛ با ارتباط دادن و اتصال دادن اينها به ماجراي عاشورا، كه درست هم هست.



مرحوم شهید مطهری سالها قبل از انقلاب در این حسینه ی ارشاد فریاد میکشید که: واللّه - قریب به این مضمون - بدانید شمر، امروز - اسم نخست وزیر آن روز اسرائیل (صهیونیست) را می آورد - اوست. واقع قضیه هم همین است. ما شمر را لعنت میکنیم، برای اینکه ریشه ی شمر شدن و شماری عمل کردن را در دنیا بکنیم؛ ما یزید و عبیدالله را لعنت میکنیم، برای اینکه با حاکمیت طاغوت، حاکمیت یزیدی، حاکمیت عیش و نوش، حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم. حسین بن علی قیامش برای این بود که بین حاکمیت‌های علیه ارزشهای اسلامی و انسانی و الهی را به خاک بمالد و نابود کند؛ و همین کار را هم امام حسین با قیام خود کرد.

مجالس ما؛ مجالس حسینی، یعنی مجالس ضد ظلم، مجالس ضد سلطه، مجالس ضد شمرها و یزیدها و ابن زیادهای زمان موجود، زمان حاضر، معنایش این است. این استمرار ماجرای امام حسین است.

و امروز دنیا پر از ظلم و جور است. شما ببینید چه میکنند؛ در فلسطین چه میکنند، در عراق چه میکنند، در کشورهای گوناگون چه میکنند، با ملت‌های دنیا چه میکنند، با فقرا چه میکنند، با ثروتهای ملی کشورها چه میکنند. ابعاد عظیم حرکت حسین بن علی (علیه السّلام) شامل همه ی این میدان وسیع میشود. امام حسین نه فقط برای شیعه، نه فقط برای مسلمانها، بلکه برای احرار عالم درس دارد.

رهبر آزادی بخش نهضت هند در شصت سال، هفتاد سال قبل اسم حسین بن علی را آورد؛ گفت من از او یاد گرفتم؛ در حالی که هندو بود؛ اصلاً مسلمان نبود. در بین مسلمین هم همینطور است. ماجرای امام حسین این است. شما گنجینه دار یک چنین جواهر ذی قیمتی هستید که همه ی بشریت میتواند از او بهره برد و استفاده کند.

جهتگیری در عزاداری امام حسین به این نحو باید باشد: گسترش تبیین، بیان، آگاه سازی، محکم کردن ایمان مردم، روح تدین را در مردم گسترش دادن، روح شجاعت و غیرت دینی را در مردم زیاد کردن، حالت بی تفاوتی و سکر و بی حالی را از مردم گرفتن؛ اینهاست معنای قیام حسینی و بزرگداشت عزاداری امام حسین (علیه السّلام) در زمان ما. لذا زنده است، همیشه هم زنده خواهد بود.

جنبه ی عاطفی آن هم تأثیرگذار بر روی عواطف و احساسات همه ی مردم است. جنبه ی عمقی و معنوی آن، صاحبان فکر و بصیرت را آگاه میکند؛ روشن میکند. بنده بارها در طول این سالها این جمله ی امیرالمؤمنین (علیه



الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ) را عرض کرده ام که فرمود: «أَلَا لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمَ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَالصَّبْرِ»؛ این پرچم - پرچم انسانیت، اسلام، توحید - را آن کسانی که دارای این دو خصوصیتند، میتوانند بر دست بگیرند و بلند نگه دارند؛ «البصر والصبر»؛ بصیرت و استقامت. امام حسین (علیه السلام) مظهر بصیرت و استقامت است.

پیروان امام حسین هم همین را نشان دادند و بعد از گذشت قرن‌ها، آن روزی که رهبر شایسته ای در میان آنها پیدا شد، این حرکت عظیم را به وجود آوردند. انقلاب عظیم اسلامی يك ماجرای عظیمی است؛ داستان عظیمی است. ما در وسط قضیه قرار گرفته ایم، ابعاد عظیم این حادثه برای ما خیلی روشن نیست؛ آیندگان تاریخ و کسانی که امروز بیرون از این مجموعه هستند، آنها بیشتر از ما ابعاد و عظمت این حرکت را می بینند. در دنیائی که همه ی پول و ثروت و قدرت و سیاست و همه چیز و همه چیز در جهت ضد ارزشهای انسانی و دینی است، ناگهان در يك نقطه ی حساس عالم - نقطه ی حساس جغرافیائی عالم - يك نظامی سر بلند کند، يك ملتی قیام کند برای به دست گرفتن پرچم ارزشها؛ و ارزشهای انسانی را سر دست بگیرد، ندای توحید بدهد، معجزه است؛ معجزه ی زمان ما این است. بعد از همه طرف به او حمله کنند؛ بزرگ و کوچک، طاغوتها و طاغوتچه ها با همه ی توانشان بریزند سر او، و در عین حال او نه فقط شکست نخورد، بلکه بسیاری از آنها را شکست بدهد؛ آنها را عقب براند، که امروز شما دارید می بینید نشانه های عقب رفتِ استکبار را. در این مبارزه ملت ایران پیروز شد.

انتخابات هم در پیش است. مسئله ی انتخابات هم خیلی مهم است. یکی از نمونه های عظمت این نظام، همین انتخابات است. برای همین هم هست که انتخابات ملت ایران - این پدیده ی به این وضوح - را انکار میکنند. مردمسالاری، این چیز واضح را که وابسته ی به انتخابات مردمی است - که در ایران در طول این بیست و هشت نه سال، هر سالی يك بار به طور متوسط اتفاق افتاده است - دشمنان عنود و لجوج انکار میکنند. چرا؟ چون میدانند که این یکی از آن شاخصه های مهم پیروزی ملت ایران است.

در انقلابهای گوناگون، در فاصله های زمانی گوناگون، آن کسانی که پیشواها و به اصطلاح رهبران ملت‌ها بودند، بالاخره درماندند؛ گفتند آقا! ما اختیارات تام و تمام میخواهیم. دکتر مصدق دو سال و خرده ای در این کشور حکومت کرد، بخش عمده ای از این دو سال، دو مجلس آن روز را منحل کرد و اختیارات مجلس را هم در اختیار گرفت؛ گفت بدون این، نمیتوانم، حالا مصدق که يك حکومت مردمی بود، اما طاقت نیاورد؛ نتوانست. حالا يك انقلاب مردمی به وجود بیاید؛ يك انقلاب با این جمعیت کشور که امروز سه برابر جمعیت آن روز است، با این همه توطئه ای که علیه این ملت میشود و این همه تبلیغات، اما این انقلاب با شجاعت تمام بر آراء مردم تکیه میکند؛ خاطرش جمع است و میخواهد این انتخابات که به معنای دخالت مردم، حضور مردم، تصمیم گیری مردم است، به هر قیمتی باشد؛ این را اصرار میکند، که در دوره ی قبل - چهار سال قبل از این - يك ماجرائی راه انداختند؛ يك نمایشی بود؛ يك بازی ای بود و هدف هم همین بود که بلکه انتخابات را تعطیل کنند، خدای متعال نخواست و نگذاشت؛ ایستادگی مردم



مؤمن نگذاشت که انتخابات را اینها بتوانند تعطیل کنند.

انتخابات در پیش است، این انتخابات خیلی مهم است. نه خصوص این انتخابات، همه ی انتخاباتها مهم است، این هم از جمله مهم است. مردم وظائفی دارند؛ مسؤولین، نخبگان وظائفی دارند. اولاً سعی شود اهمیت و ارزش و عظمت انتخابات محفوظ بماند؛ معلوم باشد. مردم با امید و اعتماد به پای صندوقها بروند. من می بینم متأسفانه در اظهارات بعضیها - حالا ان شاء الله که از روی غرض ورزی نیست - مرتب تکیه میکنند: آقا! تقلب نشود، آقا! تقلب نشود؛ آقا! دستبرد نشوند. چه تقلبی؟! قریب به سی سال است که دستگاههای مجری این مملکت دارند انتخابات را انجام میدهند با سلامت کامل. بعضیها حتی شرم نکردند، گفتند ناظرین بین المللی بیایند نظارت کنند بر این انتخابات؛ بیگانه ها، دشمنها که با اصل انتخابات و با اصل ملت ایران مخالفند؛ با هر چیزی که به نفع ایران است مخالفند، اینها بیایند بشوند قاضی! این، بزرگترین جسارت به ملت ایران است. نه، بیخود مبالغه نکنند. ما البته سفارش کرده ایم؛ مکرر سفارش کرده ایم؛ مکرر هم سفارش خواهیم کرد به همه ی دست اندرکاران؛ هم به وزارت کشور، هم به شورای محترم نگهبان، به نظار و مجریان: مراقب باشند، مسؤولیتشان را، وظیفه شان را درست انجام بدهند، خوب انجام بدهند، آراء مردم دست اینها امانت است؛ نگذارند کسی دخالت بکند؛ نفوذ بکند. این سفارش را همیشه کرده ایم. مراعات هم کرده اند؛ باز هم مراعات خواهند کرد به فضل الهی. این مطلب اول. حیثیت انتخابات عظیم مردم و این کار بزرگ مردم را مرتب با اینکه شبهه اندازی کنند که آره، بناست تقلب بشود، بناست فلان بشود، نشکنند.

دوم، همان مطلبی که من مکرر در یزد - چند روز قبل از این - تکرار کردم، باز هم تکرار میکنم: در انتخابات با کرامت رفتار کنند همه؛ چه آنهایی که نامزد میشوند، چه آنهایی که طرفدار آنهایند، چه آنهایی که مخالف با بعضی از نامزدها هستند. جناحهای مختلف کشور، بد اخلاقی و بد گوئی و اهانت و تهمت و این حرفها را مطلقاً راه ندهند. این از آن چیزهایی است که اگر پیش بیاید، دشمن از او خوشحال میشود.

نکته ی سوم اینکه مراقب فعالیتهای دشمن باشند. حالا پریروز - دو روز قبل از این - بوش، رئیس جمهور امریکا گفت ما از فلان دسته در ایران حمایت میکنیم. این ننگ است برای هر کسی که امریکا بخواهد او را تحت الحمایه ی خود بگیرد. اول، خود آن کسانی که آن دشمن وحشی میخواهد از آنها حمایت کند، بعد هم مردم فکر کنند، ببینند چرا میخواهد حمایت کند. کدام نقص در اینها هست که موجب شده است دشمن بخواهد از او حمایت کند. در داخل یک خانواده ممکن است دو تا برادر، یک برادر و خواهر با هم اختلاف داشته باشند. اگر دشمن، دزد، خائنی که بیرون خانه است، با یکی از اینها ارتباط برقرار کرد و گفت من طرف تو هستم، آن بایستی به خود بیاید، بگوید من چه غلطی کردم، چه اشتباهی کردم که این دشمن خانوادگی میخواهد از من حمایت کند. مردم هم باید حواسشان جمع باشد؛ نگذارید انتخابات بشود ملعبه ی دست بیگانگان.



انتخابات مال ملت ایران است، مال جمهوری اسلامی است، مال اسلام است؛ مرزهاشان را با دشمن مشخص و متمایز کنند. من بارها به بعضی از افراد سیاسی که فعالیت‌هایی دارند و گاهی يك مخالف خوانیهائی میکنند، تذکر داده‌ام، نصیحت کرده‌ام؛ گفته‌ام مواظب باشید مرزهای میان شما و دشمن کمرنگ نشود؛ پاک نشود. مرز وقتی کمرنگ شد، احتمال اینکه کسانی از این مرز عبور کنند یا دشمن از این مرز عبور کند و بیاید این طرف یا دوست و خودی غافل شود و از مرز عبور کند و برود به دامن دشمن، زیاد خواهد بود. مرزها را روشن کنید؛ مشخص کنید.

این ملت بیست و هشت سال است که با توطئه‌ی آمریکا، با دشمنی آمریکا، با انواع و اقسام لطمه زدنهای آمریکا مواجه است. هر کار توانستند علیه این ملت کرده‌اند. مواظب باشید مرزهاشان را مشخص کنید. کسانی هستند مزدور آنها؛ کسانی هستند نوکر آنها؛ کسانی هستند در خدمت آنها. مرزهاشان را با اینها هم روشن کنید و مشخص کنید. وقت بصر و صبر، یکی همین جاست؛ بصیرت. ملت ایران وقت انتخابات که میرسد، احتیاج به بصیرت دارد؛ نگاه کند ببیند دشمن چه موضعی گرفته است در قبال این حرکت عظیم مردمی؛ حواس خود را جمع کند، تصمیم درست بگیرد. این هم وظیفه‌ی ما مردم است که بایستی مراقبت کنیم.

البته مطمئن باشید و بنده مطمئنم که خدای متعال تفضلات خود را به برکت مجاهدت و ایمان شما مردم، از شما باز نخواهد گرفت و خدای متعال لطف خودش و کمک خودش و هدایت و حمایت خودش را شامل حال این مردم کرده است و باز هم خواهد کرد و پیروزی نهائی، بالاخره متعلق به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است.

امیدواریم که خداوند متعال همه‌ی شما را موفق بدارد؛ ارواح طیبه‌ی شهدای ما را خشنود کند؛ روح مطهر امام را با اولیائش محشور کند و به همه‌ی شما خیر و اجر عنایت فرماید و قلب مقدس ولی عصر (ارواح‌نافذ) را از ما شاد و خشنود فرماید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته